

برنامه حزب کمونیست ایران

سرمایه داری، بعنوان يك نظام تولیدی که معاش و گذران انسان و قلمرو رشد و توسعه جامعه انسانی را در سراسر جهان به زیر کنترل خود کشیده است، در ادامه گسترش جهانی‌اش و تحولات درونی جامعه ایران، طی يك پروسه رشد و تکامل دهها ساله به تدریج همه عرصه های تولیدی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی این جامعه را نیز به زیر حیطه خود درآورد. بدین ترتیب جامعه ای که اساساً کشاورزی با مردمی اکثراً ساکن روستا بود، جای خود را به جامعه ای عمدتاً شهرنشین، که بخش عمده نیازهای آن در شهر و در تولید ماشینی و کارخانه ای تامین می‌شود، داد.

اصلاحات دهه چهل که تحت حاکمیت رژیم شاه در ایران محافظه کارانه و از بالا به اجرا در آمد، از جمله طرحها و اقدامات مشابهی بود که در همین دوره در نقاط دیگر جهان نیز، با هدایت سرمایه داری امپریالیستی و در پاسخ به نیازهای سرمایه جهانی، و الزامات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی حاد این جوامع صورت می‌گرفت.

این اصلاحات نهایتاً با نفی قانونی نظام ارباب و رعیتی، زمینه را برای توسعه هرچه بیشتر بازار داخلی و سرمایه دارانه کردن تولید آماده کرد. میلیونها روستائی بی‌زمین "آزاد" شده در جستجوی کار بسوی شهرها روانه شدند و همراه با آن جمعیت کارگری شاغل در تولید صنعتی چند برابر فزونی یافت. این روند چهره جامعه را در عرض يك دهه دگرگون ساخت و تسلط حکم سرمایه داری را بر بخشهای مختلف حیات تولیدی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی قطعیت بخشید.

درآمدهای نفتی موجود، به تجزیه روابط ارباب و رعیتی و گسترش مناسبات سرمایه داری شتاب بیشتری داد، و بدین ترتیب جامعه ایران بیش از پیش در گردونه روابط سرمایه داری جهانی قرار گرفت. درآمد نفت نه فقط خونبهای گسست بافت اجتماعی کهنه را به زمینداران و اشراف تامین نمود، بلکه هزینه نوآوری و گسترش يك دولت مدرن را نیز فراهم ساخت. درآمدهای نفتی دولت را قادر ساخت که در حین حراست از منافع طبقه حاکم، خود کنترل بخشهای کلیدی اقتصاد کشور را نیز در دست بگیرد و با جذب بخش بزرگی از نیروی کار

کشور در ادارات و کارگاههای دولتی، در عین حال به بزرگترین کارفرما تبدیل شود. نقشی که تا به امروز نیز ادامه داشته است.

الغای نظام اربابی همه محدودیتهای اجتماعی و اقتصادی در راه عرضه نیروی کار را قانوناً از میان برداشت، و رونق بازار داخلی شرایط مناسبی را برای استثمار کارگران "آزاد" بوجود آورد، و بدین ترتیب بر زمینه اصلاحات دهه چهل نیروی کار بعنوان يك کالا، به مقیاس روز افزون، وارد بازار سرمایه داری رو به گسترش ایران گردید.

رشد سرمایه داری در ایران بسیاری از عادات، سنن و الگوهای زندگی کهن و ساخت فرتوت جامعه قدیمی را درهم کوبید و دانش و تکنیک را نیز به عرصه های مختلف حیات اجتماعی راه داد. اما این تحول ژرف اجتماعی نه تنها فاصله های طبقاتی را در جامعه ایران کاهش نداد، بر آلام و رنجهای انسانی التیامی نبخشید، بلکه ابعاد و شمار مشقات زندگی را افزونتر کرد و فاصله بین داراها و ندارها را عمیقتر گردانید.

با افزایش هزینه زندگی، رشد بیکاری و کاهش سطح دستمزدهای واقعی، در سالهای اواسط دهه پنجاه، زندگی طبقه کارگر بیش از پیش رو به وخامت گذاشت و مبارزات کارگران در مراکز اصلی تولیدی و صنعتی برای دفاع از سطح معیشت و بهبود وضعیت زندگی خود شدت گرفت.

توده های کارگر کنده شده از روستا در حاشیه شهرهای ماوانی برای خود جستجو می کردند و مدام بر خیل این حاشیه نشینان که شهرهای بزرگ را احاطه کرده بودند، افزوده می گشت. این مردم در نهایت فلاکت زندگی می کردند و در عین حال شاهد ناز و نعمت و زندگی افسانه ای طبقات دارا بودند. آنها در حالیکه منبع سرشاری از نیروی کار ارزان را در اختیار سرمایه داری ایران قرار می دادند، کانونهای جدیدی از اعتراض بر علیه دولت را نیز با خواسته ها و مطالبات ویژه خود بوجود آوردند.

گسترش بوروکراسی دولتی و افزایش دخالتهای پلیسی در زندگی مردم، قدر قدرتی دستگاههای امنیتی و سرکوب هر نوع اعتراض، اعتصاب و صدای آزادیخواهی و حق طلبی، سانسور شدید و سلب آزادی بیان و ممنوع ساختن هرگونه فعالیت سیاسی و صنفی مستقل از دولت، کاسه صبر توده ها را لبریز و شرایط را برای انفجار خشم مردم بطور روزافزونی فراهم می ساخت.

برچنین زمینه هائی، دولتی که خود منشاء و مجری بسیاری از دگرگونیهای فرهنگی و اجتماعی دوره معاصر بود، بوسیله همین تحولات، مشروعیت سیاسی و مقبولیت اجتماعی آن به زیر سوال رفت. در ادامه این روند، توده های مردم با امید به کسب آزادی و پایان بخشیدن به رنجها و محرومیت هایشان بپا خاستند، و امواج انقلاب سراسر ایران را دربر گرفت و دستگاه دیکتاتوری سلطنتی در هم کوبیده شد.

اما این انقلاب در شرایطی رو به گسترش گذاشت که سازمانهای توده ای کارگری وجود نداشتند، يك جریان نیرومند سوسیالیستی در صحنه سیاسی ایران غایب بود، سازمانهای موجود چپ در حوزه سازماندهی کارگری و توده ای، و نیز صحنه سیاسی جامعه نقش مستقل خود را ایفا ننمودند، و بعضی از آنها از نیروهای ارتجاعی مذهبی دنباله روی کردند. بورژوازی لیبرال نیز نگران از تعمیق انقلاب، با همین جریان در جنبش همگانی همگام شد. در چنین شرایطی روحانیت شیعه و جمهوری اسلامی به آلترناتیو قدرتهای امپریالیستی و بورژوازی ایران برای نجات سرمایه داری از بحران انقلابی تبدیل شدند. جمهوری اسلامی سپر بلای نظام سرمایه داری ایران در مقابل انقلاب، و ابزار حراست از این نظام در شرایط بحران بود. این رژیم به قدرت رسید تا زیر لوای حکومت اسلامی شرایط مناسب را برای انباشت سرمایه از نو فراهم آورده، در عین حال در چهارچوب استراتژی امپریالیسم غرب، ایران را کماکان به عنوان سدی در برابر گسترش نفوذ اتحاد شوروی سابق در منطقه حفظ نماید.

ماشین سرکوب دولتی تمام و کمال احیاء شده و تکامل داده شد. قدرت سیاسی از چنگ انقلاب محفوظ ماند، انقلاب در همان شب قیام در نطفه خفه گردید و ارتجاع هار در لافاه انقلاب دستگاه سرکوب و خفقان و وحشت را اعاده نمود. توده های مردم مرعوب و به خاموشی گرائیدند و بار دیگر آرزوی دیرین رهایی و آزادی مردم زحمتکش برباد رفت. آنگاه رژیم اسلامی جنگ ویرانگر هشت ساله ایران و عراق را همچون فرصتی برای به بند کشیدن هرچه بیشتر مبارزات انقلابی، به صف کردن کل طبقات دارا در پشت سر خود، اهداف پان اسلامیستی و کسب هژمونی در منطقه بکار گرفت و فقط هنگامی که تهدید يك خیزش عمومی بصورت خطری واقعی ظاهر شد از در صلح درآمد.

در ایران سرمایه داری تحت حاکمیت جمهوری اسلامی نیز دامنه شکافهای طبقاتی درون جامعه روز بروز عمیقتر شده و ثروت هنگفت بر روی فقر انبوه مستقر شده است. امنیت و رفاه

طبقات دارا به بهای نامنی و بی‌تامینی اجتماعی اکثریت جامعه، یعنی کارگران ممکن گردیده است. حال دیگر جامعه به صحنه رویارویی دو طبقه اصلی اجتماعی، توده وسیع کارگران مزدی (شاغل و بیکار) و سرمایه داران و دولت سرمایه دار تبدیل شده است، و این حقیقت از همیشه آشکارتر شده است که طبقه کارگر نیروی اصلی هر تحول سیاسی آتی در ایران معاصر خواهد بود.

حزب کمونیست ایران، به مثابه حزبی مارکسیستی، برای پایان دادن به حاکمیت سیاسی و اقتصادی طبقه سرمایه دار، برقراری حکومت کارگری و ایجاد یک جامعه سوسیالیستی مبارزه می‌کند. جامعه ای که پایان بخشیدن به استثمار انسان از انسان، زوال دولت و تمام ارکان نگاهدارنده اش از آن طریق می‌گذرد. هدف غائی ما دستیابی به جامعه ای است که در آن آزادی و رفاه همگانی جای اسارت و بی‌عدالتی و محرومیت را می‌گیرد و فرصتهای یکسان برای رشد و شکوفائی خلاقیتها و تعالی انسان فراهم می‌شود؛ جامعه ای که در آن هر کس باندازه توانائیش کار می‌کند و باندازه نیازش از مواهب زندگی برخوردار می‌گردد، و در آن دولتی نیست که بر فراز جامعه قرار بگیرد و بند اسارت تک تک افراد آنرا به گذشته های استثمار، ستم، خرافه پرستی و جهل گره بزند.

از نظر ما سوسیالیزم امری مربوط به آینده ای نامعلوم و دور دست نیست بلکه زمینه، توانائی و امکان اجتماعی و اقتصادی آن در بطن نظام سرمایه داری ایران فراهم آمده است و تحقق آن به نیروی آگاهی، تشکل و مبارزه طبقه کارگر ممکن خواهد شد. امکانات مادی و ثروتهای غنی جامعه ایران و همبستگی بین المللی کارگری ضامن دوام و پایداری آن خواهد بود.

در شرایط حاضر این مبارزه از طریق سرنگونی جمهوری اسلامی تداوم می‌یابد و برانداختن این نظام سرکوب و خفقان در ایران هدف بلاواسطه انقلاب کارگری را تشکیل می‌دهد. اما در شرایطی که هنوز نظام سرمایه داری برقرار است، حزب کمونیست ایران در عین مبارزه بی‌وقفه و پیگیر برای برقراری سوسیالیزم و ایجاد جامعه کمونیستی، لحظه ای مبارزه برای انجام اصلاحات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پیشرو و مترقی را جهت بهبود شرایط زندگی توده های کارگر و زحمتکش و امن تر و انسانی‌تر کردن جامعه و محیطی که در آن زندگی می‌کنیم، در چهارچوب همین نظام موجود نیز رها نخواهد کرد. تحقق این مطالبات در

عین حال شرایط مناسب را برای انقلاب کارگری و سوسیالیسم فراهم می‌آورد. بنابراین حزب کمونیست ایران از هم اکنون برای تحقق مطالبات زیر مبارزه می‌کند.

شوراها و حاکمیت مردم

تجربه سراسر جهان و نیز تجربه ایران به خوبی ثابت کرده است که دموکراسی پارلمانی در پس ظواهر ریاکارانه اش همواره ابزار دور نگهداشتن عملی کارگران و توده های مردم از دخالت موثر در سرنوشت خویش بوده است. از نظر ما نظام شورائی بهترین و در دسترس ترین وسیله دخالت کلیه آحاد طبقه کارگر و توده های مردم بمتابیه قانونگذار و مجری قانون در اداره جامعه می باشد. در شرایط که پیشرفتهای تکنولوژیک بیش از هر زمان دیگری ارتباطات را توسعه داده و مکان دسترسی به اطلاعات را در همه زمینه ها برای همگان فراهم کرده است، نظام شورائی کار دخالت مستقیم کارگران و توده های مردم را در اداره امور جامعه بیش از پیش تسهیل خواهد کرد. این نظام می‌تواند از برقراری يك سیستم بوروکراتیک که مجدداً برفراز انقلاب و مردم بپا خواسته قرار گیرد و آنها را تبدیل به تماشاچیان ناتوان صحنه سیاست کند، جلوگیری نماید.

شوراهای محلی، شوارهای نمایندگان در همه سطوح و کنگره سراسری نمایندگان شوراها، بعنوان عالی‌ترین ارگان حکومتی کشور، ساختار قدرت سیاسی را شکل خواهند داد، و فرصت و امکان واقعی برای شرکت کارگران و همه مردم در اداره امور جامعه و به دست گرفتن سرنوشت سیاسی و اقتصادی خود را فراهم می‌آورند.

برچیده شدن دستگاه بوروکراسی مافوق مردم

شرکت مستقیم مردم در اداره امور کشور، انتخابی شدن کلیه مقامات اداری و سیاسی کشور توسط مردم و قابل عزل بودن آنها، هرگاه که اکثریت انتخاب کنندگان چنین اراده کنند. افرادی که به این ترتیب در مصادر امور قرار می‌گیرند، حقوقی حداکثر برابر يك کارگر ماهر دریافت می‌دارند. افراد حق دارند که علیه هر مقام دولتی به دادگاههای عالی شکایت کنند.

انتخابی بودن قضات و سایر مقامات قضائی، قابل عزل بودن آنها هر گاه که اکثریت انتخاب کنندگان چنین اراده کنند؛ لغو اکید هرگونه دادگاه ویژه و علنی بودن کلیه محاکمات.

انحلال ارتش و دیگر نیروهای مسلح حرفه ای

ارتش، سپاه پاسداران و دیگر ارگانهای سرکوب جمهوری اسلامی باید منحل شوند. هدف نهائی ما انحلال تمام نیروهای مسلح حرفه ای است. اما در شرایطی که هنوز نهاد ارتش حرفه ای به تمامی از میان نرفته است، ما خواهان کنترل و فرماندهی عالی آن توسط کنگره سراسری شوراها بوده و نیز برای دموکراتیزه کردن کامل مناسبات درونی ارتش مبارزه می کنیم. ما خواهان عدم مداخله مطلق ارتش در امور داخلی کشور بوده و آنرا صرفاً نهادی دفاعی و نه تعرضی می دانیم.

حقوق و آزادیهای فردی، سیاسی و اجتماعی

1 - حق رای همگانی، برابر، مستقیم و مخفی برای تمام افراد بالاتر از 16 سال مستقل از جنسیت، تعلقات مذهبی، ملی، قومی و عقیده سیاسی. حق هر فرد بالاتر از 18 سال برای انتخاب شدن در هر نهاد و ارگان نمایندگی؛

2 - آزادیهای بی قید و شرط سیاسی، آزادی تشکیل احزاب و فعالیت سیاسی، آزادی عقیده و تبلیغ آن، آزادی بیان و مطبوعات، آزادی اجتماعات، تظاهرات، اعتصاب، تحصن، تشکیل سندیکا و هر نوع تشکیل صنفی و سیاسی. فراهم آوردن امکان دسترسی عمومی به رسانه های جمعی، نشریات، شبکه های رادیویی و تلویزیونی، لغو هرگونه سانسور؛

3 - جدائی مذهب از دولت، لغو اکید:

هر گونه امتیاز و تبعیض در مشاغل دولتی و حقوق افراد بر حسب مذهب و مقام مذهبی آنان و یا اعتقاد و عدم اعتقاد آنان به مذهب، پرداخت کمکهای مالی و غیرمالی دولتی به فعالیتها و موسسات مذهبی، مواد درسی و رسم و آئین مذهبی در مدارس و موسسات آموزشی دولتی.

- هیچیک از مذاهب بعنوان مذهب رسمی کشور شناخته نمی‌شوند، مذهب امر خصوصی افراد تلقی می‌شود و کلیه افراد کشور در اختیار کردن هر مذهبی و یا نداشتن مذهب آزادند؛
- 4 - تساوی کامل حقوق قانونی کلیه افراد کشور صرف نظر از مذهب و مرام و عقیده سیاسی، رفع هر گونه تبعیض و محدودیت قانونی افراد برحسب مرام و عقیده سیاسی آنها؛
- 5 - آزادی انتخاب شغل و محل سکونت، مصونیت قانونی هر فرد و محل سکونت او، لغو کلیه مقررات و قوانینی که مبتنی بر دخالت پلیسی در زندگی افراد بوده و انحلال کلیه نهادهائی که مجری چنین قوانینی هستند. آزادی سفر و اقامت در تمام نقاط کشور و آزادی مسافرت به خارج کشور برای کلیه افراد؛
- 6 - ایران کشوری مهاجرپذیر است. در ایران پناهندگان سیاسی بدون قید و شرط پذیرفته می‌شوند. هر کارگر مهاجر، و یا هر پناهنده‌ای در صورت تمایل می‌تواند به تابعیت ایران درآید و در غیر اینصورت نیز از حقوق کامل و برابر با دیگر ساکنین ایران برخوردار خواهد بود؛
- 7 - حق نظارت کامل مردم بر سیاست خارجی، لغو هرگونه دیپلماسی سری، شناسائی برابری حقوق کلیه ملل، پشتیبانی از جنبشهای کارگری، سوسیالیستی و آزادیخواهانه در سراسر جهان؛
- 8 - گنجاندن حکم لغو مجازات اعدام در قانون اساسی کشور.

رفع و لغو تبعیض از زنان، برابری زن و مرد

حزب کمونیست ایران برای تامین برابری کامل زن و مرد در همه عرصه های زندگی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و خانوادگی مبارزه می‌کند و به این منظور خواهان تحقق فوری نکات زیر است:

حقوق اجتماعی و سیاسی

زنان و مردان باید به یکسان از حق انتخاب کردن و انتخاب شدن در کلیه ارگانهای قانونگذاری، قضائی و اجرایی، در کلیه سطوح کشوری و محلی برخوردار باشند. کلیه قوانین

و مقرراتی که آزادی زنان را در لباس پوشیدن مقید می‌کند، همچون قانون حجاب اجباری، لغو می‌گردد. هرگونه مقرراتی مربوط به جداسازی زنان و مردان در اجتماعات، مدارس و دانشگاهها، مکانها و وسایل نقلیه عمومی ملغی اعلام می‌شود. هرگونه تبعیض بر حسب جنسیت در زمینه آموزش و پرورش لغو می‌شود. کلاسهای درسی در کلیه سطوح آموزشی باید مختلط باشند. زنان حق دارند در کلیه رشته های ورزشی، هنری و علمی شرکت کنند و باید از کلیه امکانات در این زمینه ها برخوردار باشند؛

زنان باید از فشار کار خانگی رهایی یابند و شرکت آنها در زندگی اجتماعی باید تسهیل شود و به این منظور موسسات خدماتی ویژه از قبیل شیرخوارگاه، مهدکودک، لباسشویی و غیره در محلات مسکونی ایجاد و بطور رایگان در اختیار عموم قرار می‌گیرد.

حقوق اقتصادی

برابری کامل زن و مرد در امر اشتغال، پرداخت مزد برابر برای کار مشابه به زنان و مردان، بیمه های اجتماعی یکسان برای زنان و مردان. برخورداری از حق دو روز مرخصی ماهانه برای زنان شاغل، ممنوعیت سپردن هر نوع کار زیان آور به زنان باردار. ممنوعیت اخراج زنان باردار به هر بهانه ای. خودداری از استخدام زنان باردار و دارای فرزند غیر قانونی بوده و جرم محسوب می‌گردد. ممنوعیت اعلام جنسیت در آگهی‌های استخدام و تحصیلی (مگر در موارد استثنائی و ضروری که قانون تعیین می‌نماید)؛

برخورداری از 16 هفته مرخصی برای دوران بارداری و یکسال مرخصی برای نگهداری نوزاد که با توافق طرفین توسط زن و شوهر مورد استقاده قرار می‌گیرد.

حقوق زن در خانواده

آزادی در امر ازدواج و انتخاب همسر. ممنوعیت هر نوع معامله گری از قبیل شیربها، مهریه، جهیزیه و غیره در امر ازدواج. به رسمیت شناختن ازدواج از طریق ثبت در دفاتر دولتی؛ ممنوعیت صیغه و تعدد زوجات. برابری حقوق زن و مرد در امر طلاق و تکفل

فرزندان. ممنوعیت ازدواج زنان و مردان زیر 18 سال. اشخاص و مراجع مذهبی که افراد زیر 18 سال را عقد شرعی می‌کنند مجرم محسوب میشوند. ممنوعیت برقراری رابطه جنسی افراد بالای 18 سال با دختران و پسران زیر 16 سال؛

زن و مرد باید از حقوق و مسئولیت کاملاً یکسان و برابر در قبال یکدیگر، در قبال فرزندان و در تمام جنبه‌های زندگی برخوردار باشند. محل زندگی باید با توافق مشترك طرفین انتخاب شود. قانونی که تنها حق مردان را در تعیین محل سکونت به رسمیت می‌شناسد، باید لغو شود. حق زنان برای کارکردن و مسافرت نباید منوط به اجازه شوهر باشد.

کلیه قوانین شرعی و عرفی که تحت عنوان دفاع از ناموس، جرم مرتکبین جنایت علیه زنان را تخفیف می‌دهند، باید لغو گردند. برای جرم و جنایاتی که از طرف پدر، برادر، شوهر و یا هر فرد دیگری نسبت به زنان، تحت عنوان دفاع از ناموس و نظایر آن صورت می‌گیرد، مجازات سنگین تعیین می‌شود: هر گونه تبعیض و نابرابری میان زن و مرد در قوانین مربوط به وراثت، تقسیم اموال و دارائی‌ها و امتیازات قانونی مردان و سلسله‌پدیری در مساله قیمومت و سرپرستی لغو می‌گردد. زنان و مردان باید به یکسان از حق طلاق برخوردار باشند. قانون باید در صورت تمایل هر يك از طرفین، چه زن و چه مرد، جدایی آنها را به رسمیت بشناسد. حقوق مادری باید مستقل از ازدواج به رسمیت شناخته شود. زنانی که بدون ازدواج دارای فرزند می‌شوند باید از کلیه حقوق فردی و اجتماعی مادری برخوردار باشند. فرزندان آنها نیز باید از کلیه حقوق اجتماعی را دارا باشند. روابط خصوصی زن و مرد محترم است و از هرگونه تعرض باید مصون باشد. دخالت افراد و مراجع دولتی در زندگی خصوصی زن و مرد اکیداً ممنوع است.

سقط جنین

جامعه سرمایه داری تنها دو راه را در مقابل زنانی که ناخواسته باردار می‌شوند قرار می‌دهد: از بین بردن جنین و یا تحمل شرایط سخت روحی، اقتصادی و اجتماعی در صورت حفظ جنین. فقر و ناتوانی در تامین اقتصادی فرزندان، موانع واقعی و عملی که داشتن فرزند و مراقبت و پرورش او بر سر راه شرکت زنان در زندگی اجتماعی و اقتصادی، قرار می‌دهد، و مشکلات

اجتماعی داشتن فرزند برای زنان مجرد، باعث می‌شود تا بسیاری از زنان خواهان ختم حاملگی خود گردند. در صورت غیر قانونی بودن این عمل، زنان باردار به سقط جنین بوسیله افراد غیر متخصص، تحت شرایط غیر بهداشتی و با تحمل هزینه های زیاد تن می‌دهند. باتوجه به این واقعیت، باید حق سقط جنین در صورتیکه خطر جانی برای زن در بر نداشته باشد و سن جنین بیش از 16 هفته نباشد، برای عموم زنان به رسمیت شناخته شود، و سقط جنین به اجازه هیچ فرد و مرجعی به جزء خود زن مشروط نمی‌گردد؛

عمل سقط جنین باید در بیمارستانها و کلینیک ها، و تحت نظر پزشك متخصص و بطور رایگان انجام گیرد. افرادی که بدون داشتن تخصص لازم اقدام به انجام این عمل می‌نمایند مجرم محسوب شده و قابل تعقیب قانونی هستند.

فحشاء

فحشاء یکی از اشکال ستمی است که در جامعه سرمایه داری بر زنان اعمال می‌شود و مبارزه با فحشاء برای بازیابی حرمت انسانی زن در جامعه، امری حیاتی است. فقر و عدم تامین اجتماعی و محدودیتهای قانونی و عملی، که بر سر کار کردن زنان و استقلال مالی آنان وجود دارد، در کنار فرهنگ و اخلاقیات مردسالارانه، از عوامل ایجاد، حفظ و اشاعه فحشاء در جوامع کنونی است. تعصبات و آموزشهای مذهبی، همانگونه که تجربه جمهوری اسلامی در ایران نشان داده است، با تقویت مردسالاری و تثبیت موقعیت فرودست زن، خود باعث اشاعه فحشاء در جامعه است.

ریشه کن کردن فحشاء در گرو مبارزه با کلیه عوامل فوق است. بعلاوه برای مقابله با فحشاء اقدامات عاجل زیر ضروری است؛

دولت موظف است که قربانیان فحشاء را به لحاظ اقتصادی تامین کند و امکانات آموزشی و شرایط یافتن شغل و کار کردن را برای آنان تسهیل نماید. واسطه ها و کارگزاران فحشاء باید مورد تعقیب قانونی و مجازاتهای سنگین قرار بگیرند.

پایان دادن به ستم ملی و تبعیض بر اساس ملیت

ستم ملی یکی از اشکال تبعیض و بی‌حقوقی حاکم در ایران است که باید قاطعانه به آن پایان داده شود. از اینرو:

ما خواهان برابری حقوق ملت‌ها، ملغی کردن کلیه تبعیضات قانونی و عملی بر اساس ملیت، پایان دادن به دخالت‌های بوروکراتیک دولت مرکزی در شئون زندگی مردم، فراهم کردن امکان شکل‌گیری ارگان‌های دموکراتیک حاکمیت محلی و لغو زبان رسمی اجباری هستیم، و با ایجاد و تحریک کینه و خصومت ملی مبارزه می‌کنیم.

ما اعتقاد داریم که مصالح مبارزه پرولتاریا برای نیل به سوسیالیسم، وحدت عمل و یگانگی سیاسی طبقه کارگر ایران را ایجاب می‌کند، و حزب کمونیست ایران در راه تامین وحدت طبقه کارگر ایران در همه عرصه‌های مبارزاتی می‌کوشد. از اینرو است که ما حق کلیه ملل ساکن ایران را در تعیین سرنوشت خویش، یعنی آزادی آنها تا حد جدایی کامل به رسمیت می‌شناسیم. در عین حال خواهان اتحاد آزادانه و داوطلبانه کلیه ملل بوده و معتقدیم که چنین اتحادی بسود توده‌های زحمتکش است.

_ رفاه عمومی و بیمه‌های اجتماعی

بمنظور ارتقاء سطح فرهنگ و رفاه عمومی که به نوبه خود امر پیوستن سایر زحمتکشان جامعه به مبارزه طبقه کارگر برای رهائی را تسهیل خواهد کرد، تحقق نکات زیر را مطالبه می‌نمائیم:

1_ بیمه بیکاری مکفی بر پایه حداقل دستمزد برای هر فرد بیکار بالای 18 سال؛

2_ تامین و تضمین مسکن مناسب (از نظر فضا، بهداشت و خدمات شهری) برای کلیه افراد کشور و اقدامات عاجل در این زمینه از طریق: مصادره کلیه اراضی زمینخواران و اماکن تجملی و زائد ثروتمندان، ساختمان‌ادارات و دوایر دولتی زائد و اجرای پروژه‌های کوتاه مدت خانه‌سازی در اراضی مصادره شده به هزینه دولت، با تشخیص و توسط ارگان‌های دموکراتیک مردمی؛

- 3_ بهداشت و درمان عمومی، رایگان و مناسب و پوشش پزشکی و درمانی سراسری، برای کلیه افراد ساکن کشور، انحلال طب خصوصی؛
- 4_ آموزش رایگان در کلیه سطوح و برای کلیه افراد، اجباری بودن آموزش تا سن 16 سال و برنامه ریزی عاجل برای ریشه کن کردن بی‌سوادی؛
- 5_ ایجاد تسهیلات فرهنگی و رفاهی در مناطق محروم شهری و روستایی، از قبیل برق، تلفن، لوله کشی آب آشامیدنی، راه، مدرسه، درمانگاه، ورزشگاه، سالن اجتماعات و غیره به هزینه دولت؛
- 6_ ایجاد موسسات خدماتی ویژه بمنظور کاهش بار کار خانگی، از قبیل رختشویخانه، مهد کودک و غیره در محلات مسکونی؛
- 7_ تامین زندگی، امنیت، تفریح و آموزش کودکان بوسیله دولت، مستقل از شرایط خانوادگی آنها. قرارگرفتن کلیه کودکان و نوجوانان زیر 18 سال که فاقد تامین معیشتی و امکانات خانوادگی می‌باشند، تحت تکفل دولت؛
- 8_ تامین زندگی و رفاه معلولین و فراهم آوردن امکانات لازم برای ابراز وجود اجتماعی آنها، توسط دولت؛
- 9_ تامین زندگی و رفاه سالخوردگان، درخور شان و حرمت والای آنها، توسط دولت؛
- 10_ لغو هرگونه مالیات غیره مستقیم؛
- 11_ ممنوعیت ازدواج دختران و پسران کمتر از 18 سال و آزادی تمام افراد بالاتر از 18 سال در تشکیل خانواده به اراده خود.

حفظ محیط زیست

حزب کمونیست ایران تمام منابع معدنی، رودها، جنگلها و مراتع کشور را ثروت عمومی می‌داند. ما خواهان محافظت از منابع طبیعی و محیط زیست و جلوگیری از سوء استفاده از آن هستیم. آلوده کردن منابع طبیعی و هوای مناطق مسکونی باید جرم شناخته شده و مستوجب مجازات خاطیان باشد.

مفاد حداقل قانون کار و حقوق کارگری

در شرایطی که هنوز نظام سرمایه داری برقرار است، تامین حداقل معیشت و رفاه کارگران مستلزم تن دادن به کار شبانه روزی، شاق و طاقت فرسا است، که نیرو و تندرستی آنان را تحلیل می‌برد و امکان و فرصت رشد معنوی و ارتقاء سطح آگاهی سیاسی و طبقاتی را از آنان سلب می‌کند. از اینرو ما برای تامین آسایش و رفاه مادی کارگران و بمنظور مصون داشتن طبقه کارگر از تباهی روحی و جسمی و افزایش توان آنان در مبارزه برای رهایی قطعی از یوغ ستم و استثمار سرمایه داری، تحقق نکات زیر را برای کلیه کارگران خواستاریم:

1_ تقلیل کار هفتگی به حداکثر 35 ساعت و مقرر شدن حداقل دو روز تعطیل متوالی در هر هفته، 30 روز کاری مرخصی سالانه، علاوه بر تعطیلات رسمی با پرداخت حقوق و مزایای کامل؛

2_ تعیین حداقل دستمزد رسمی با توافق نمایندگان سراسری منتخب کارگران بر پایه هزینه وسائل معیشت و رفاه خانواده 5 نفری و افزایش سطح دستمزدها، متناسب با بالا رفتن بهای وسائل معیشت و با در نظر گرفتن بهبود سطح زندگی؛

3_ تعیین دستمزد، مزایا و مدت استراحت در فواصل کار روزانه بر حسب سختی، مخاطرات بهداشتی و دیگر شرایط فیزیکی کار با تصویب نمایندگان منتخب کارگران؛

4_ ممنوعیت اخراج کارگران توسط کارفرما و احاله تصمیم نهائی در همه موارد اخراج به رای مجمع عمومی کارگران و احد مربوطه. نظارت نمایندگان منتخب کارگران بر امر استخدام؛

5_ ممنوعیت هرگونه اضافه کاری؛

6_ ممنوعیت شب کاری (10 شب تا 6 صبح) در تمام رشته ها به استثناء رشته هایی که به دلایل فنی و یا رفاه اجتماعی، شب کاری در آنها اجتناب ناپذیر است. پرداخت دستمزد و مزایای دو برابر برای کار شبانه، پرداخت حق شیفت برای نوبت کاری؛

7_ ممنوعیت هرگونه کار_ مزدی (اعم از قطعه کاری و کار کنتراتی) و ممنوعیت پرداخت دستمزد به صورت جنسی و غیر نقدی؛

8_ ممنوعیت هرگونه جریمه و کسر دستمزد به بهانه های مختلف، پرداخت حقوق برای غیبت‌های موجه، دوران بیماری و نقاهت، زمان اعتصاب و هرگونه توقف تولید به دلایل مختلف و یا به اراده کارفرما؛

9_ احتساب زمان صرف غذا، استحمام بعد از کار و زمان تشکیل مجمع عمومی و شرکت کارگران در کلاسهای سوادآموزی جزء ساعات کار کارگران. تامین هزینه ایاب و ذهاب از طرف کارفرما؛

10_ تضمین ایمنی و بهداشت محیط کار و تقلیل مخاطرات محیط کار به حداقل ممکن، مستقل از ملاحظات سودجویانه. نظارت و معاینه پزشکی منظم در برابر مخاطرات و بیماریهای ناشی از نوع کار به هزینه کارفرمایان و دولت؛

11_ بیمه کامل کارگران در مقابل صدمات و خسارات ناشی از کار، اعم از اینکه در محیط کار و یا خارج از آن رخ دهد_ بدون اینکه کارگر نیازی به اثبات تصور کارفرما و یا مدیریت واحد تولید داشته باشد _ به هزینه کارفرمایان و دولت با تشخیص و نظارت نمایندگان منتخب کارگران. پرداخت خسارت به کارگرانی که در اثر سوانح و ضایعات ناشی از کار دچار بیماری و نقص عضو می‌شوند و یا توانایی کار کردن را از دست می‌دهند. پرداخت حقوق و مزایای کامل بازنشستگی به کارگران مورد اخیر، لغو پرداخت حق بیمه از طرف کارگران؛

12_ تقلیل حداکثر سن بازنشستگی به 55 سال و یا پس از 25 سال سابقه کار و پرداخت حقوق و مزایای کامل به کارگران بازنشسته از طرف دولت، پرداخت حقوق و مزایای کامل بازنشستگی کارگران متوفی به افراد تحت تکفل آنان، ترمیم حقوق و مزایای بازنشستگی همراه با افزایش سطح دستمزدها. در نظر گرفتن مجموع سنوات کار کارگران در کارخانه ها و یا دوره های مختلف در احتساب پایه حقوق و مزایای کارگران؛

13_ مزد برابر برای زنان و مردان در ازاء کار یکسان. امکان و فرصت یکسان در اشتغال، مستقل از جنسیت، قومیت، ملیت و ...:

14_ ممنوعیت سپردن کار سنگین به زنان باردار، 16 هفته مرخصی دوران بارداری و زایمان برای زنان کارگر و شاغل بدون کسر حقوق و مزایا. مقرر شدن دو روز مرخصی ماهانه اضافی برای زنان با پرداخت حقوق و مزایای کامل؛

15_ ممنوعیت کار حرفه ای برای کودکان و نوجوانان زیر 18 سال؛

16_ تامین نیازهای رفاهی و فرهنگی در محیط کار و محلات سازمانی مسکونی، از قبیل: سالن اجتماعات، سالن استراحت، غذاخوری، زمین و سالن ورزش، باشگاههای تفریحی، شیرخوارگاه و مهد کودک، درمانگاه، کتابخانه و کلاسهای سوادآموزی بزرگسالان به هزینه کارفرمایان و دولت؛

17_ تنظیم و اعمال مقررات داخلی کارگاهها و واحدهای تولیدی و اقتصادی با تصویب و نظارت نمایندگان منتخب کارگران؛

18_ تشکیل دادگاههای حل اختلاف با هیئت منصفه ای متشکل از نمایندگان منتخب کارگران برای حکمیت در موارد اختلاف کارگر و کارفرما. هزینه تشکیل دادگاهها باید تماماً بر عهده کارفرمایان باشد؛

19_ تشکیل هیئتهای بازرسی کارگری به انتخاب کارگران. این هیئتها از چگونگی اجرای نکات فوق در کلیه واحدهای تولیدی و بطور کلی محل کار کارگران (از جمله خدمات خانگی) بازرسی و حسابرسی خواهند کرد.

* * *

حزب کمونیست ایران پیگیرانه برای دستیابی به اصلاحات فوق در زندگی اجتماعی کارگران و توده های محروم مبارزه می کند. ما از هر مبارزه آزادیخواهانه و حق طلبانه بر علیه جمهوری اسلامی و هر جنبشی که پیگیرانه خواهان رفع و از میان برداشتن اشکال مختلف تبعیضات جنسی، مذهبی، ملی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی باشد پشتیبانی می کنیم.

حزب کمونیست ایران در هر مبارزه، حرکت اجتماعی و نهاد سیاسی که بخشاً اهداف سیاسی اعلام شده آن را برآورد و امکان دسترسی جنبش و نیروهای کارگری و سوسیالیستی را به اهرمهای قدرت سیاسی در جامعه فراهم نماید، فعالانه مشارکت خواهد کرد.